

علم أصول الفقه

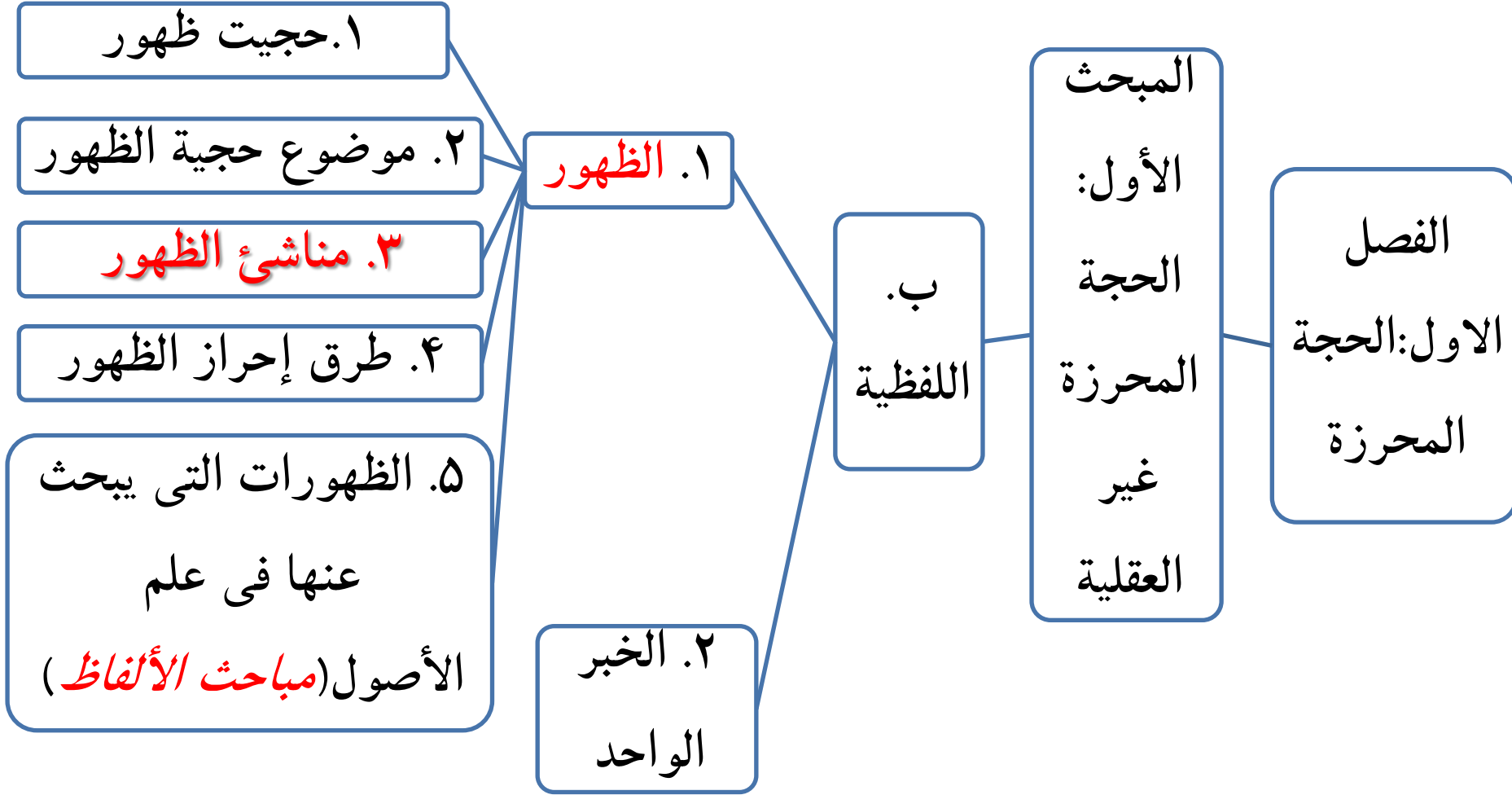
١٢

٣٠-١-٩٤ ظهور

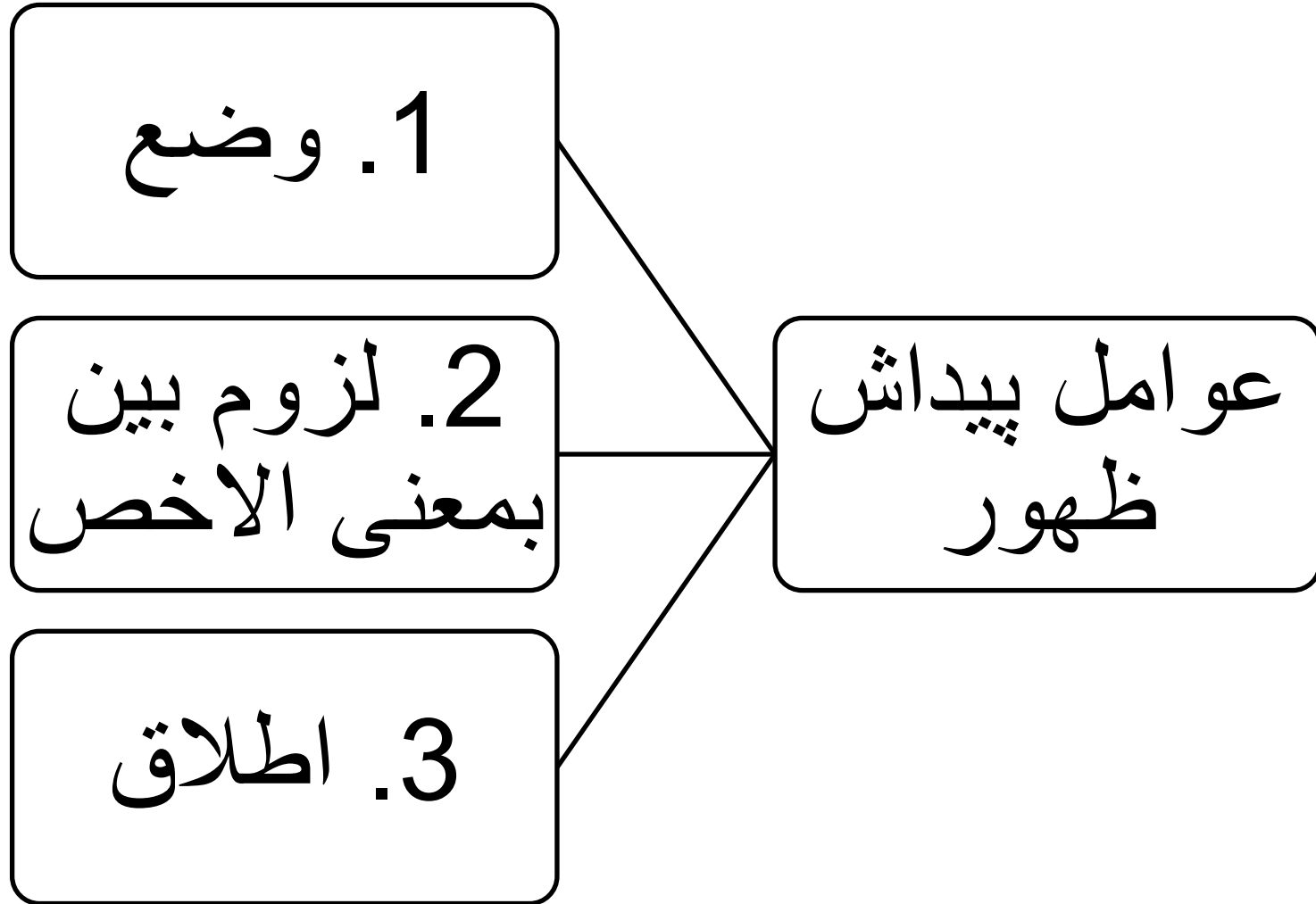
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

رَبِّ ارْجِعُونِ

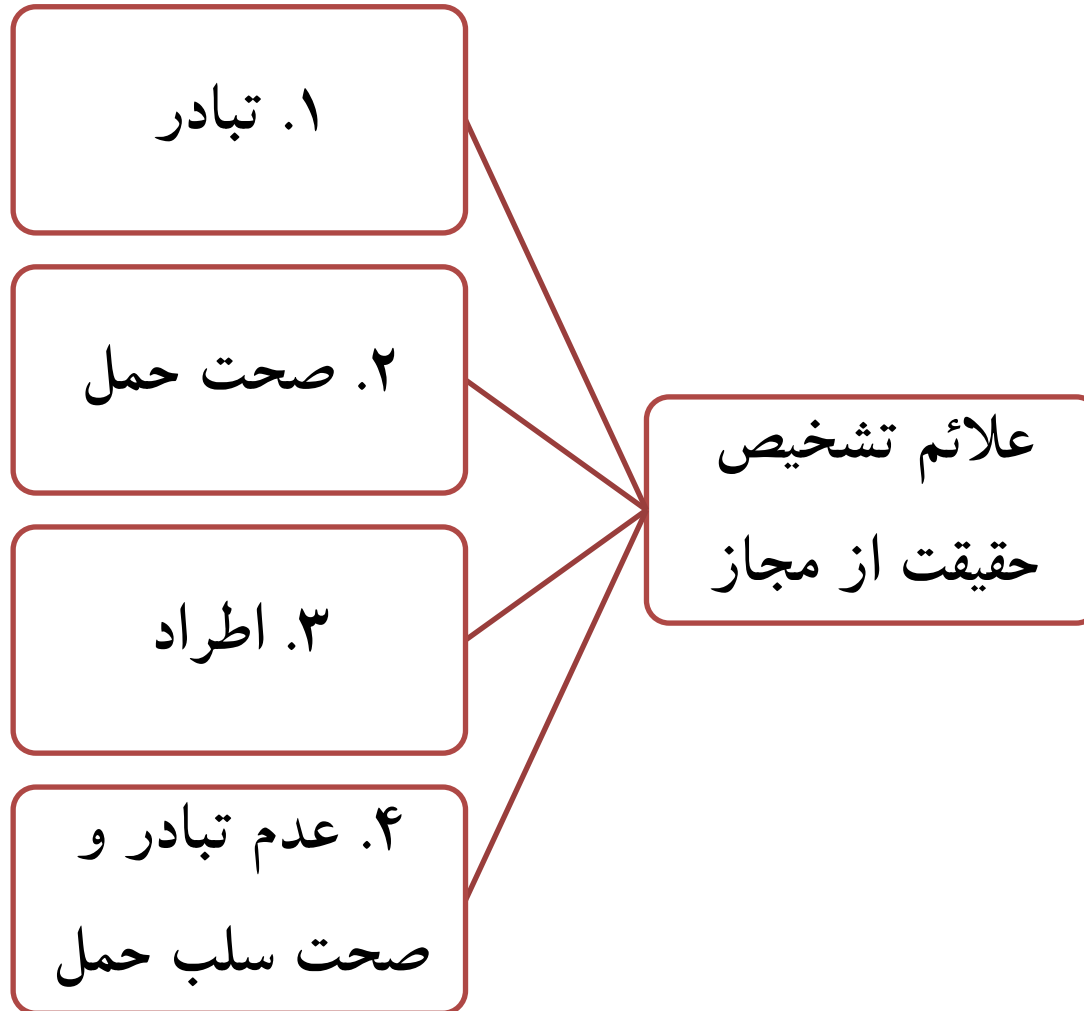
- حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (٩٩)
- لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (١٠٠)

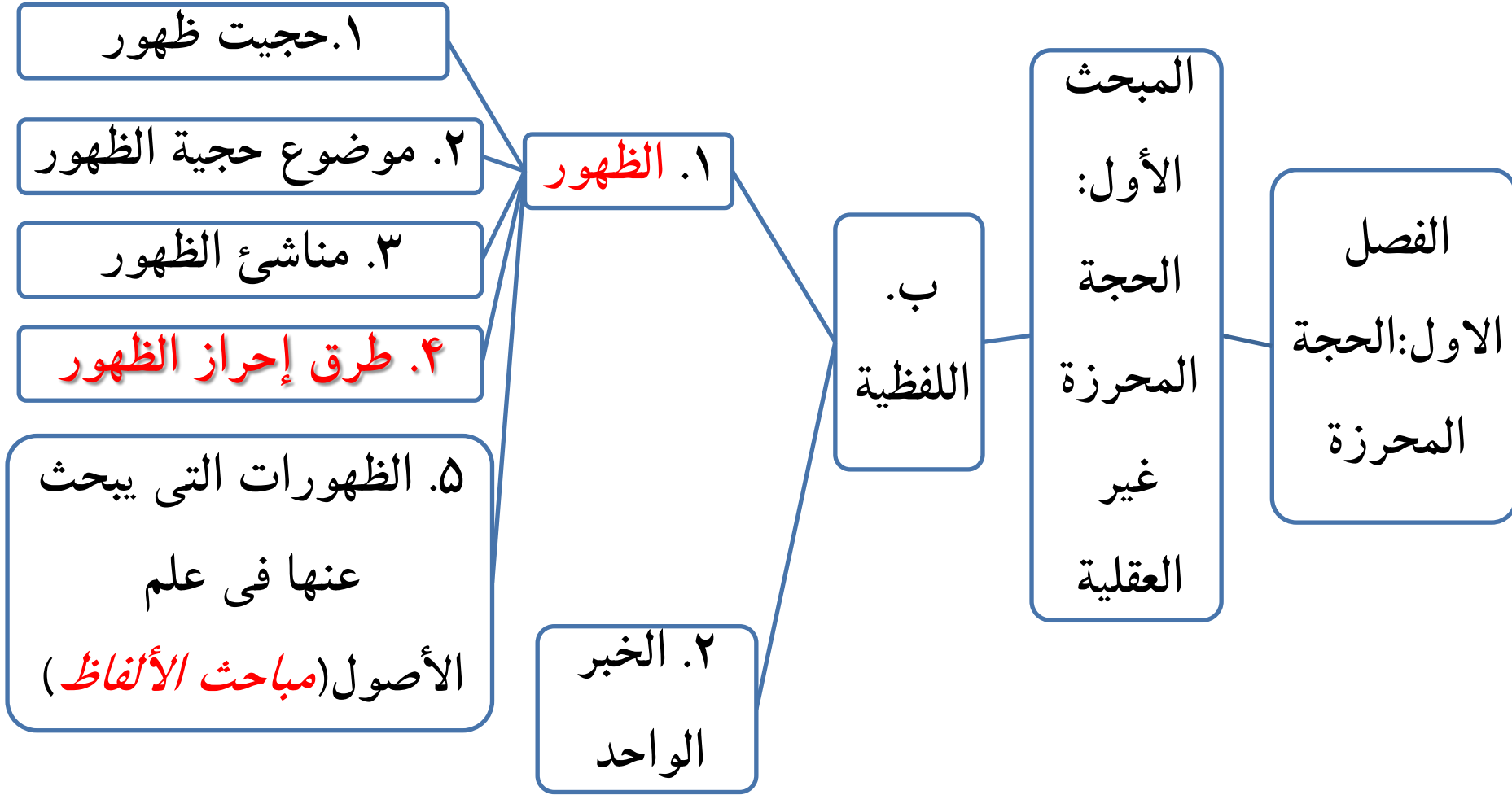


٣. مناقشة الظهور: اطلاق

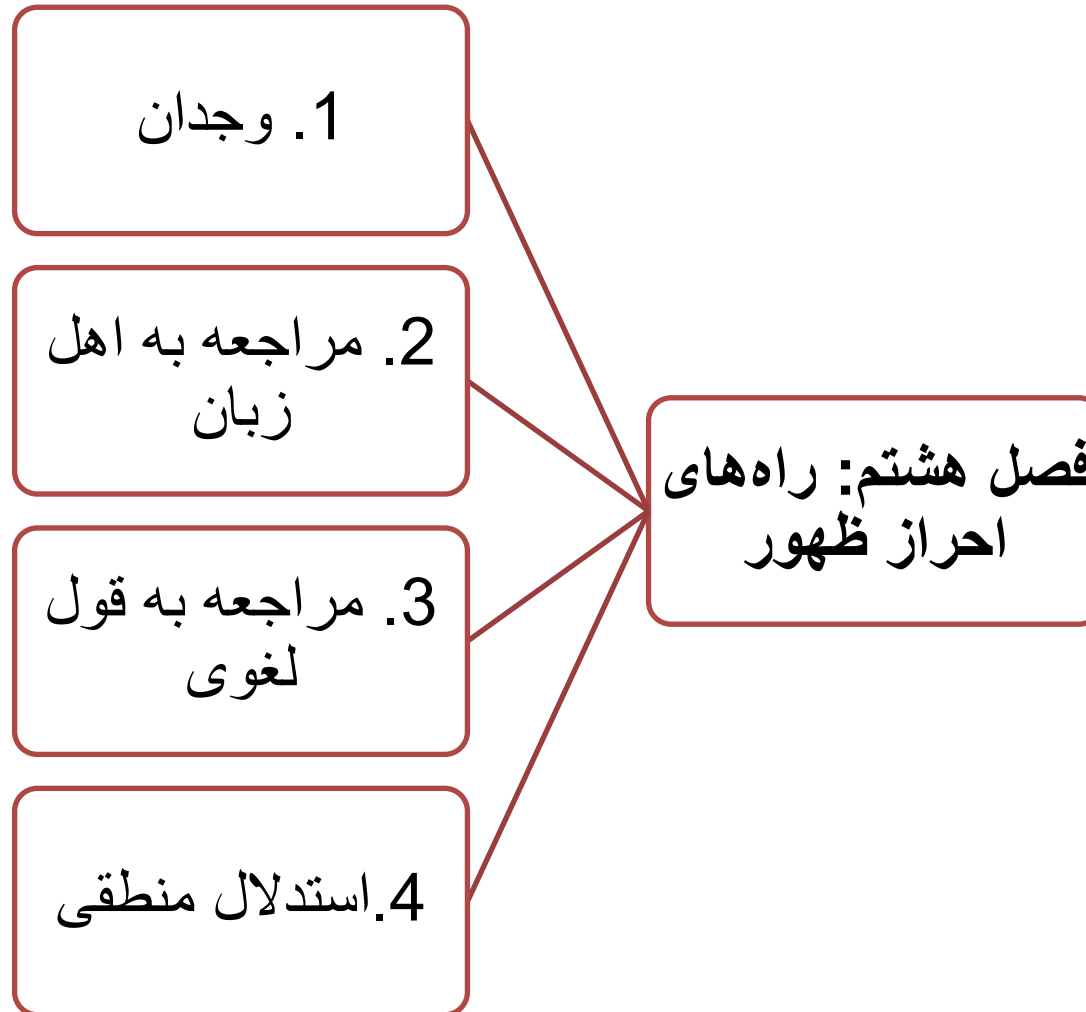


علائم تشخیص حقیقت از مجاز

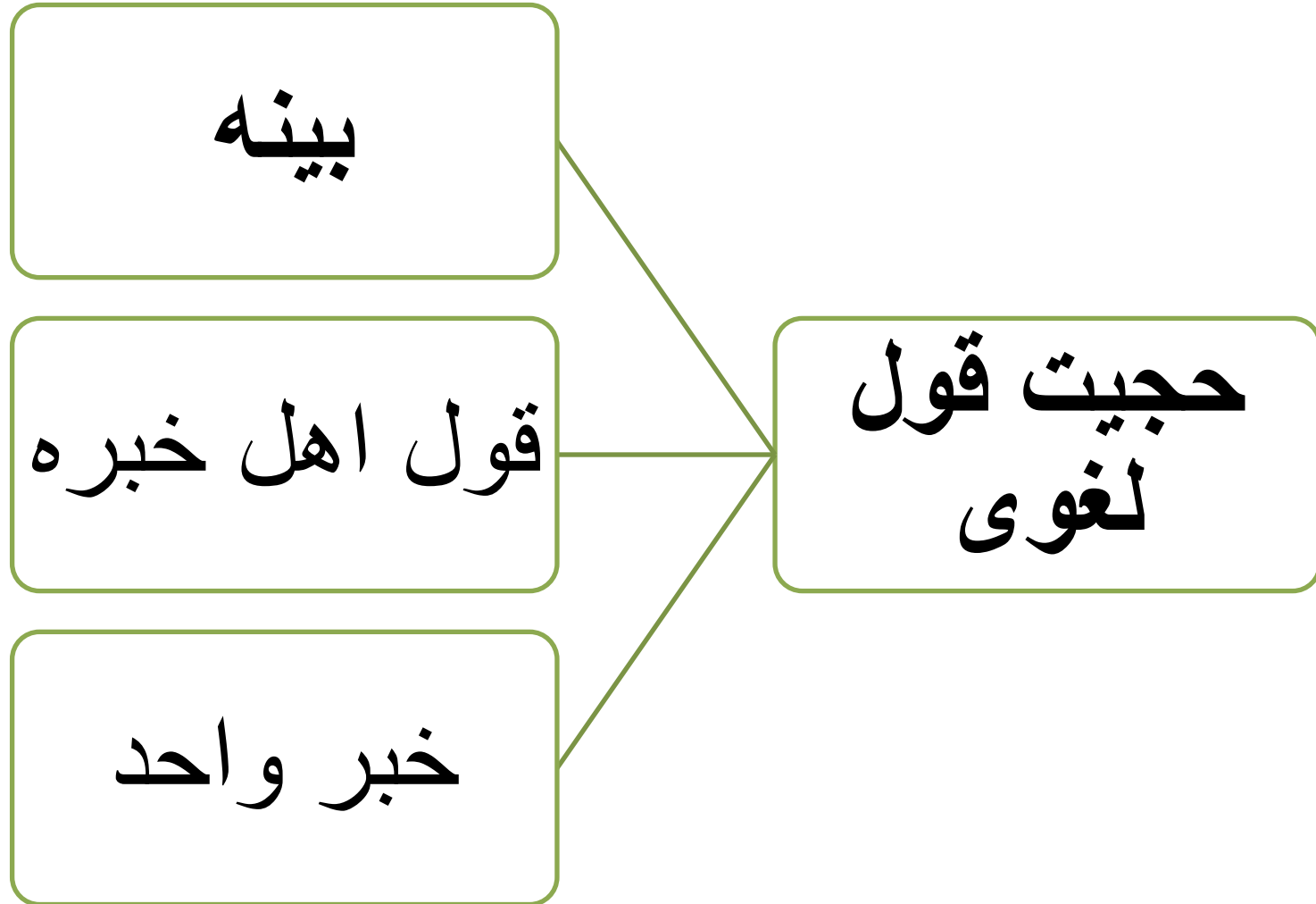


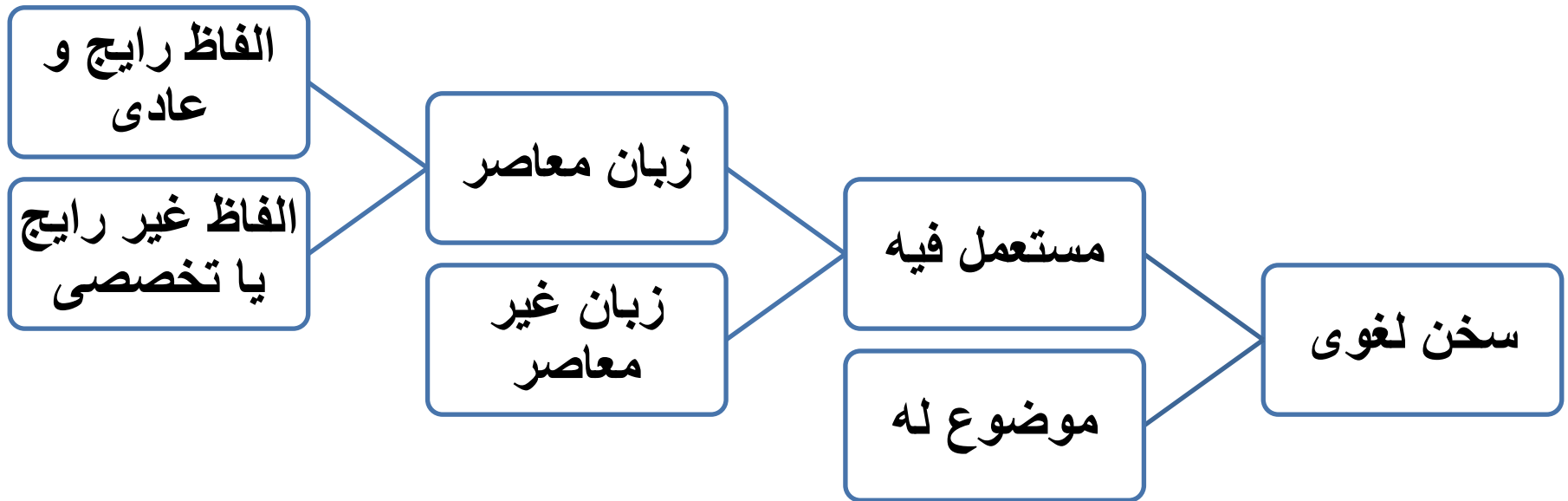


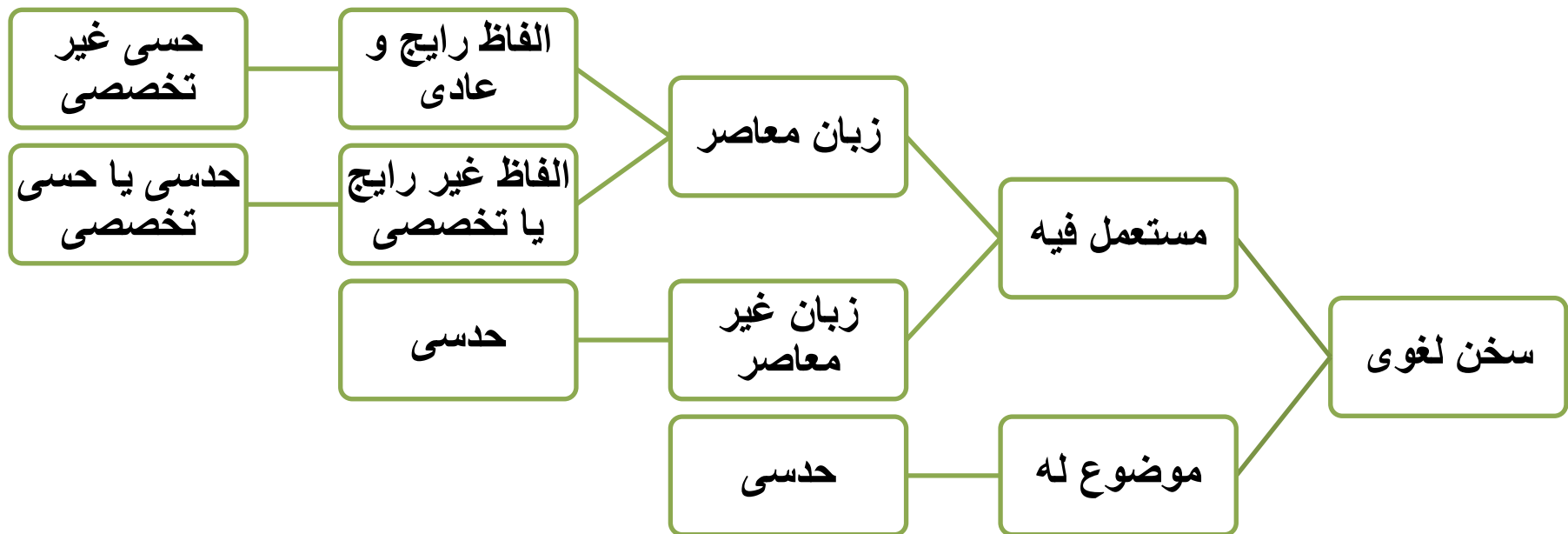
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



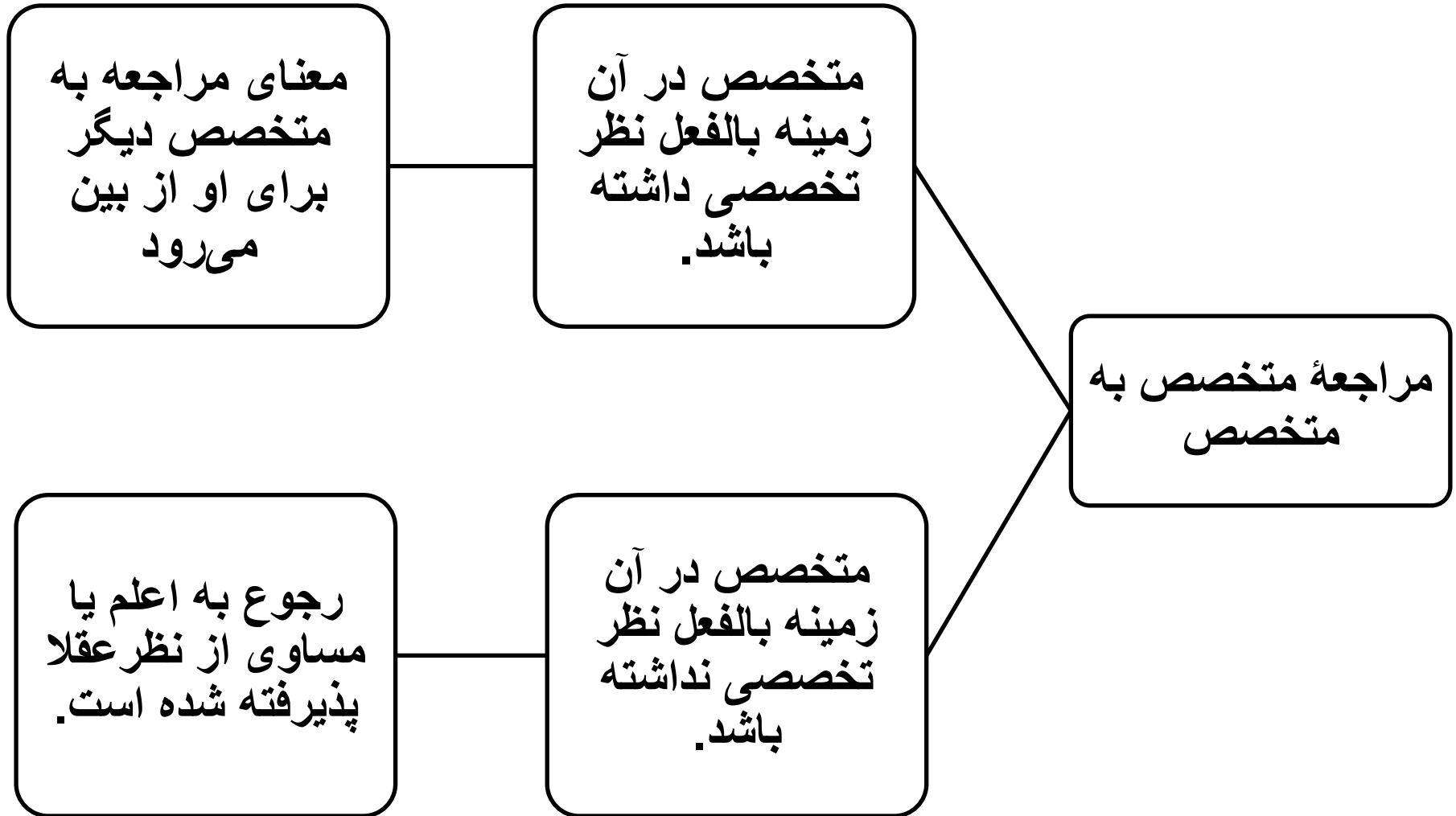
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



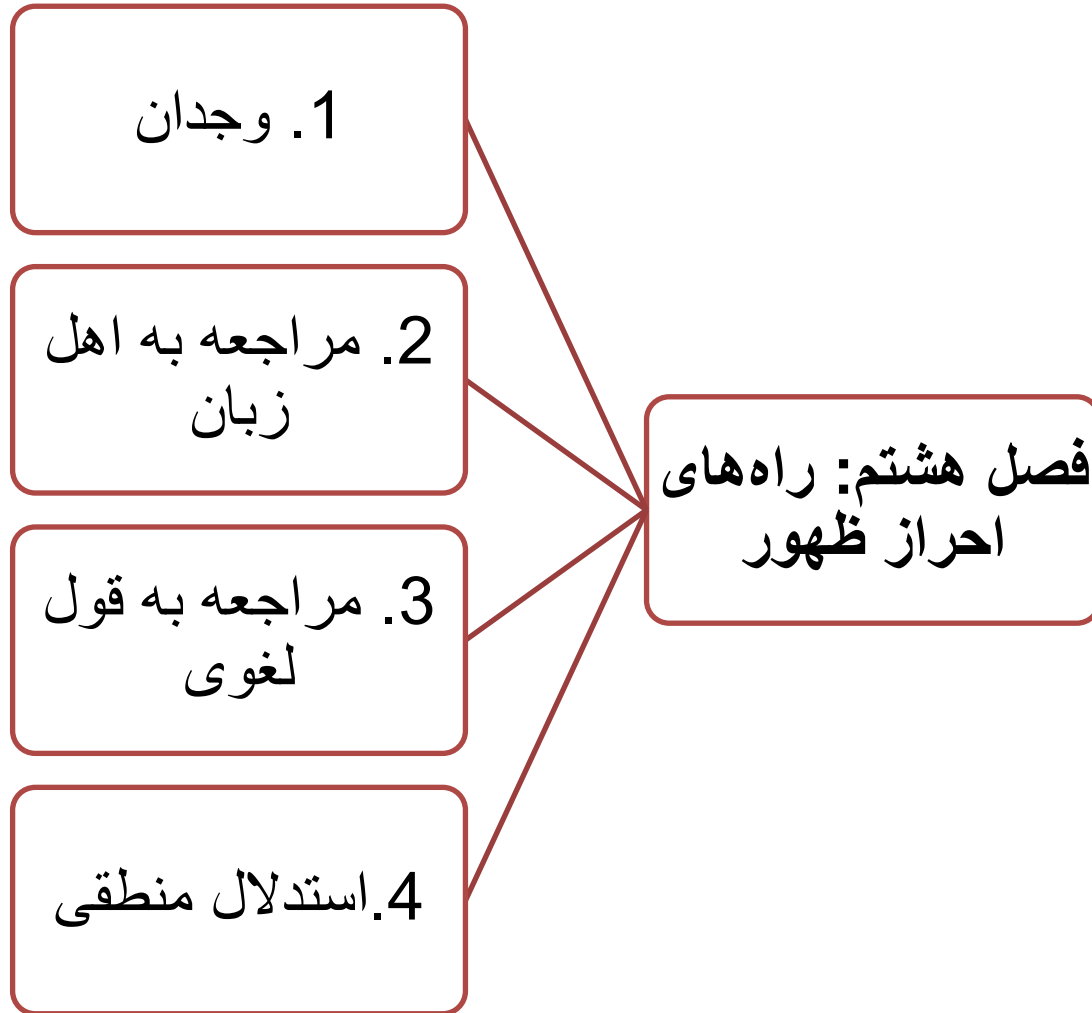




فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

برهانی

استقرایی

4. استدلال

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

گروه اول: احراز اصل ظهور

گروه دوم: احراز صغریات ظهور

گروه سوم: احراز خصوصیات ظهور

گروه چهارم: ارتباط دو یا چند ظهور

موارد استعمال
استدلال در مباحث
اصولی از نگاه
شهید صدر

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

سلبی

اثباتی

استفاده از استدلال
در تعیین ظهور

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

گروه اول: احراز اصل ظهور

گروه دوم: احراز صغریات ظهور

گروه سوم: احراز خصوصیات ظهور

گروه چهارم: هماهنگی بین دو یا چند ظهور

موارد استعمال
استدلال در مباحث
اصولی از نگاه
شهید صدر

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- گروه سوم: احراز خصوصیات ظهور
- شهید صدر رضوان الله علیه می‌فرماید گاهی در مباحث مربوط به الفاظ و ظهورات با استدلال خصوصیتی در ظهور تشخیص می‌دهیم نه اصل ظهور را؛ یعنی کبرای و صغرای ظهور مشخص است؛ ولی خصوصیتی در محل بحث را با استدلال به دست می‌آوریم؛ برای مثال در بحث اوامر گذشتگان بحث می‌کردند که آیا امر ظاهر در وجوب است یا نه و بیشتر بحثشان بر همین متمرکز بود؛ اما متأخرین دیگر به این بحث کاری ندارند؛ چون این جزء مسلمات است که امر در وجوب ظهور دارد.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- آنچه در نزد متأخرین محل بحث است، کیفیت دلالت امر بر ظهور است؛ این چگونگی برایشان مطرح است. در حقیقت خصوصیت ظهور مطرح است نه خود ظهور. آنگاه بعضی می‌گویند ظهور امر در وجوب به وضع است. بعضی دیگر می‌گویند ظهور امر در وجوب به عقل است؛ یعنی عقل حکم می‌کند که امر ظاهر در وجوب است. بعضی نیز می‌گویند ظهور امر در وجوب به اطلاق است؛ یعنی اطلاق امر، وجوب را اقتضا می‌کند. آنگاه این را با استدلال بررسی می‌کنیم.
- همان، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

گروه اول: احراز اصل ظهور

گروه دوم: احراز صغریات ظهور

گروه سوم: احراز خصوصیات ظهور

گروه چهارم: هماهنگی بین دو یا چند ظهور

موارد استعمال
استدلال در مباحث
اصولی از نگاه
شهید صدر

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- و أمّا الموضع الرابع - و هو التنسيق بين ظهورين في كلام واحد بحيث على أساسها تستنتج دلالة ثالثة، فمن قبيل ما ذكرناه في بحث المفهوم للجملة الشرطية من أنه لا بدّ من ملاحظة أنّ **التعليق يطرأ على إجراء الإطلاق في الجزاء أو الإطلاق يجري في الحكم المعلق،** و على **الأول** يدلّ الكلام على **انتفاء سنخ الحكم** فينتج المفهوم بخلافه على الثاني.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- و للصناعة أيضا مجال في إثبات إمكان طرو التعليق على المطلق و عدمه و هذا بحسب روجه و إن كان بحثاً صغروباً عن مصداق الظهور المفروغ عن كبراه إلا أنه بلحاظ كونه كيفية للتنسيق بين صغري ظهورين أو أكثر أفردناه في الذكر.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- گروه چهارم: ارتباط دو یا چند ظهور

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می‌فرماید گاهی برای ایجاد رابطه بین دو یا چند ظهور از استدلال استفاده می‌کنیم؛ یعنی از طریق استدلال ثابت می‌کنیم که چگونه این ظهورات همه با همدیگر تحقق پیدا می‌کند؛

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً در بحث شرط قبول داریم که جمله شرطیه در مفهوم ظهور دارد و می‌دانیم مقصود از مفهوم یعنی انتفاء سنخ حکم به انتفاع شرط نه انتفاع شخص حکم؛ چون واضح است که شخص حکم به انتفاع هر یک از اجزایش منتفی می‌شود و گرنه به این معنا حتی جمله وصفیه و لقبیه هم مفهوم دارند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شهید صدر رضوان الله عليه می‌فرماید ظهور جمله شرطیه در مفهوم به این معنای کلی مسلم است. از طرف دیگر جمله شرطیه بر تعلیق جزاء بر شرط دلالت می‌کند.
- این مطلب هم مسلم است. حال با ما می‌خواهیم با استفاده از استدلال بفهمیم که این دو ظهور (ظهور جمله شرطیه در انتفاء سنخ حکم به انتفاء شرط و ظهور جمله شرطیه در تعلیق جزاء بر شرط) چگونه با هم سازگار می‌شوند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مباحث تحلیلی لغوی
- شهید صدر رضوان الله علیه می‌گوید در مباحث تحلیلی لغوی کاری که اصولی انجام می‌دهد شبیه کاری است که دانشمند علوم طبیعی انجام می‌دهد. دانشمند علم طبیعی مجموعه‌ای از شواهد تجربی را در نظر می‌گیرد و بعد دنبال یک نظریه می‌گردد که همه این شواهد تجربی توجیه کند تا بتواند با آن نظریه این امکان را ایجاد کند که ما چیزهایی را که هنوز مشاهده نکردیم، قبل از مشاهده پیش‌بینی کنیم و بعد اگر این پیش‌بینی را به آزمون گذاشتیم و دیدم درست درآمد، این نظریه می‌شود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اصولی‌ها هم در مباحث تحلیلی مجموعه‌ای از امور تجربی را در نظر می‌گیرند؛ مثلاً فهرستی است از ظهورات را در نظر می‌گیرند مثل همین ظهوراتی که برای جمله شرطیه برشمردیم و بعد دنبال یک نظریه می‌گردند تا ببینند با چه نظریه‌ای می‌شود تمام این شواهد تجربی توجیه کنند. در واقع کاری که دانشمندان اصولی نوعی استدلال عقلی را به کار می‌گیرند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- همان، ص ۳۰۱ - ۳۰۳.